

## در انتخابات ۱۸ خرداد، اقتدار جناح حاکم در دستور نبود

سارا محمود

انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی روز جمعه ۱۸ خرداد ۸۰ برگزار شد. نتایج کامل هنوز اعلام نشده است. اما از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد که خاتمی با آرای بالائی سایر نامزدها را پشت سر خواهد گذاشت. این وضعیت سئوالاتی را در مقابل ما می‌گذارد. اولین سئوال این است که چرا مردم در این نوع انتخابات شرکت می‌کنند؟ آیا آن‌ها به مشروعیت رژیم اسلامی رأی می‌دهند و خواهان ادامه این حکومت هستند و آن‌طور که خاتمی می‌گوید به اصطلاح "مردم‌سالاری دینی" باور دارند؟ سئوال دیگر این است آیا اپوزیسیون واقعی رژیم با این که پیش‌بینی می‌کردند در هر حال بخش قابل توجهی از مردم در انتخابات شرکت می‌کنند، حق داشتند این انتخابات را نفی کنند؟ و بالاخره این که تفاوت این انتخابات با انتخابات دوم خرداد ۷۶ در چیست؟

در پاسخ به سئوال اول باید گفت، توجه به این نکته لازم است که این انتخابی است در جمهوری اسلامی، یعنی به مردم گفته می‌شود در چهارچوب این دستگاه حکومتی، کدام را ترجیح می‌دهید، خاتمی یا خامنه‌ای را؟ پاسخ این سئوال روشن است، برای همه و منجمله مخالفان موجودیت این حکومت. این مسئله هم علت شرکت مردم در این نوع انتخابات را نشان می‌دهد و هم ریاکاری نهفته در مضمون این انتخابات را. اگر به مردم گفته شود شما کدام نوع حکومت را ترجیح می‌دهید، دولت دینی را یا دولت غیردینی را؟ جمهوری اسلامی را یا جمهوری خود مردم را؟ پاسخ این سئوال هم به اندازه سئوال قبلی روشن خواهد بود. اما آن‌ها با همه قدرت و همه وسایل سرکوب تلاش می‌کنند از طرح چنین پرسشی جلوگیری کنند و مردم را مجبور می‌کنند در درون زندان، بین زندان‌بانان یکی را انتخاب کنند. و عجیب نیست اگر مردم زندان‌بان کریه‌تر را طرد کنند.

اما مسئله اصلی امروز -۴ سال پس از «نه» قاطع به ولایت فقیه در خرداد ۷۶- برای مردم ایران نجات از زندان جمهوری اسلامی است و قدرت در این زندان تماماً در دست جناح حاکم است. مردم طی ۴ سال گذشته مشروعیت این رژیم را بطور کامل رد کردند، و زندان‌بانان علی‌رغم عدم مشروعیت‌شان روبروی مردم ایستاده‌اند و به زور حکومت می‌کنند، درگیری با این اقتدار مسئله اصلی امروز کشور است و این مسئله‌ای است که در چهارچوب انتخابات ۱۸ خرداد ۸۰ اساساً مطرح نبود. انتخابات تحریم می‌شد یا نمی‌شد، خاتمی ۴۰ درصد رأی می‌آورد یا ۹۰ درصد، تأثیری در اقتدار جناح حاکم ندارد. روز بعد از انتخابات مثل روز قبل از انتخابات است. در حالی که انتخابات ۲ خرداد ۷۶ چنین نبود. در آن هنگام جناح حاکم مشروعیت رژیم را مفروض می‌گرفت و نقشه چیده بود تا نامزد خود را در چهارچوب یک نمایش جاری و عادی انتخاباتی بر رأس قوه مجریه بنشانند. مردم با استفاده از یک فرصت استثنایی آن نقشه را چنان به هم ریختند که رویاهای شیرین قبل از انتخابات، از روز بعد از انتخابات برای حاکمان به کابوس تبدیل شد، کابوسی که با قتل‌های زنجیره‌ای، حکومت نظامی ۱۸ تیر ۷۸، کودتای خزنده و محاکمات زنجیره‌ای به درمان آن رفتند. و این جنگ رژیم با مردم و جنگ مردم با اقتدار رژیم هم‌چنان ادامه دارد، جدا از انتخاباتی که بر اساس اقتدار کامل جناح حاکم برگزار می‌شود.

اقتدار جباران حاکم را در چهارچوب این انتخابات نمی‌توان زیر ضرب برد، این مسئله‌ای است که در ورای قانون اساسی رژیم و باید و نبایدهای آن و انتخابات‌های آن، در مبارزات فراقانونی مردم باید حل شود. و مبارزه فراقانونی با اقتدار رژیم، خارج از این انتخابات و به موازات آن و پس از آن تداوم دارد.

بنا بر این توضیحات، همان پاسخ به سئوال اول پاسخ به بقیه سئوال‌ها را در بر دارد. اپوزیسیون واقعی نمی‌تواند خود را درگیر انتخاباتی کند که مسئله اصلی کشور یعنی اقتدار جناح حاکم، که همان اقتدار کل رژیم اسلامی است، در آن مطرح نیست. موضوع اصلی این انتخابات تأیید یا عدم تأیید خاتمی بود، در حالی که خاتمی نه اقتداری دارد، نه خیال درگیری با اقتدار حاکم. اساساً تمرکز روی خاتمی، چه در طرف‌داری از او و چه در دشمنی با او، انحراف از مسئله‌ی اصلی یعنی اقتدار جبار حاکم است. با این اقتدار باید در ورای قانون اساسی جمهوری اسلامی در افتاد.